

اسلام راستین دیگر چه دامی است؟

سال‌ها مبارزه شد تا برای مردم ثابت گردید که بین اسلام ناب محمدی بنیادگرایان و اسلام ملی مذهبی‌های اصلاح‌گرا هیچ تفاوتی نیست بلکه هر دو یک درد دارند آن هم درد اسلام است. اما شگفت‌آور اینجاست که عده‌ای از روشنفکران که در کسوت اپوزیسیون، با کل ساختار حکومت جمهوری اسلامی اعم از محافظه‌کار یا اصلاح‌طلبش مخالف هستند و هر روز در روزنامه‌ها مقالاتی می‌نویسند و یا در رسانه‌های گفتاری و دیداری به روشنگری مشغولند، بجای تجزیه و تحلیل ریشه‌ای از اسلام و مشکلاتی که از روز نخست پدید آورده است باز هم بحث اسلام راستین را به پیش می‌کشند و با هزاران دلیل می‌خواهند ثابت کنند که این دین با دین اسلام راستین تفاوت بسیار دارد. چرا؟ چون که این‌گونه روشنفکران که آنها را باید «دین‌خو» نام نهاد، در نوشته‌ها و گفتارهای خود می‌خواهند اسلام را تبرئه کرده و قلب حقیقت نمایند.

غافل از اینکه ادعاهای این دین از روز آغاز دروغین بوده و بوسیله پیامبرش محمد با لشکرکشی و خون‌ریزی به مردم باورانده شده است. دانشمند و محقق معروف مولیر، درباره محمد چنین داوری می‌نماید: «شمسیر محمد و کتاب قرآن او از سر سخت‌ترین دشمنان، تمدن، آزادی، و راستی و درستی است که تاکنون دنیا به خود دیده است.» و باز در جای دیگر از قول همان دانشمند می‌نویسد: «تروورها و کشتارها را الله بوسیله الهاماتی که به محمد نمود، تأکید کرده است. و حتی در آیه ۶۸ سوره انفال می‌گوید: هیچ پیامبری در روی زمین نتوانسته است بدون خونریزی اسیر بگیرد.»

دانشمند دیگری به نام «ایس» می‌گوید: «همه مسلمانان هنوز در اسارت مفهوم واژه‌های و لغوی قرآن باقی مانده‌اند.» به باور من در اسلام بین اسلام و اسلام بنیادگرا تفاوتی وجود ندارد. هرگاه بنیادگرایان اسلامی حکومت اجتماعات اسلامی را به دست گیرند اصول و احکام اسلام را که به گونه کامل با لیبرال دموکراسی مخالف است مو به مو به مورد اجرا خواهند گذاشت. برای آنهایی که میل دارند آبروی اسلام را نگهداری کنند، عبارت «اسلام بنیادگرا» وسیله‌ای بینهایت سودمند خواهد بود. زیرا چون آنها نمی‌توانند این حقیقت را بپذیرند که اسلام با دموکراسی سازگاری ندارد، از این رو میل دارند عبارت، اسلام بنیادگرا، را به کار ببرند تا وانمود کنند که فروزه خود کامکی در ماهیت اسلام بنیادگرا وجود دارد و نه در خود اسلام، در حالی که ما می‌دانیم نه تنها آنچه را که اسلام بنیادگرا می‌نامیم بلکه خود اسلام نیز با دموکراسی ناهمگونی کامل دارد.

بدین ترتیب اصطلاح اسلام بنیادگرا وسیله غیر موجه و بدون مفهومی است که مدافعان اسلام برای سرپوش گذاشتن روی ماهیت خودکامگی اسلام آنرا بکار می‌گیرند. خانم‌ها و آقایان با اصطلاح روشنفکر دین‌خو که معتقد به اسلام راستین هستند باید با خواندن و مطالعه کتاب‌های لازم و با استناد به مدارک محکم و انکار ناپذیر دریابند جرثومه فساد از روز نخست در فلسفه همین اسلامی که بنظر شما راستین است وجود داشته و دارد، و در طول عمر اسلام به خوبی ثابت شده است اسلام بیشتر از یک نوع نیست، تنها فرقی که گهگاه در روش‌های اجرایی آن دیده می‌شود. وضع و حال اسلام بهار شده و اسلام لجام گسیخته است، که در حالت ضعف و مهار شدگی‌اش مترصد فرصت برای ترکنازی است و در حالت لجام‌گسیختگی و قدرت، عامل خشونت، خونریزی و ستمگری به انسان‌ها است.

اسلام راستین و غیر راستین درست شبیه زندگی آورنده آن، محمد است که در هنگام ضعف و نداشتن قدرت مردی آرام می‌شود ولی در زمان رسیدن دستش به قبضه قدرت دمار از روزگار مردم در آورد. نمونه دیگرش سخنان متواضعانه خمینی در روزهای پیش از انقلاب و سبعت این مرد پس از رسیدن به قدرت است که همه این‌ها نشانگر دامی است که با نام اسلام راستین و غیر راستین، ملی مذهبی‌ها و اصلاح‌طلبان برای ادامه حکومت خود و برای ادامه کار اسلام در ایران گشوده‌اند.

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>

